



Analyzing the Role of Government and Governance, Civil Society and Public Participation in Preventing Economic Crimes

Mehrdad Ghani¹, Seyed Hossein Hosseini², Seyed Mehdi Seyedzadeh Sani³

Abstract

Field and Aims: Participatory criminal policy in Iran is a tested strategy for crime prevention. In this regard, in various areas, participatory criminal policy can accelerate the crime prevention strategy. Accordingly, the aim of this research is to analyze the role of the government and governance; civil society and public participation in the prevention of economic.

Method: In this research, a mixed method (documentary/quantitative) was used. In the documentary part, using existing theoretical knowledge and previous research, the role of the three factors of the government and governance; civil society and public participation in the prevention of economic crimes was identified, and then in the quantitative part of the research, fieldwork was carried out on documentary data and, while measuring the effect of independent variables on the dependent, the relationships in the model were also tested using structural equation modeling.

Findings and Conclusions: The results of the analysis show that economic crimes in the country can be prevented through three means: government and governance; civil society and civil participation, and participatory criminal policy is a successful tool for the prevention of economic crimes. In the quantitative part, the results have shown that civil society has a direct and significant effect on explaining the prevention of economic crimes with a coefficient of 0.72, followed by the government and governance with a coefficient of 0.54, and finally the effect of public participation on the prevention of economic crimes with a coefficient of 0.40.

Keyword: Criminal Policy, Economic Crime, Prevention Of Economic Crimes, Government, Civil Society, Public Participation.

*Citation (APA): Ghani, M., Hosseini, S.H., SeyedzadehSani, S.M. (2025). Analyzing the Role of Government and Governance, Civil Society and Public Participation in Preventing Economic Crimes. *Applied criminology research*, 3(8), 19-42.

https://qacr.ir/article_728968.html?lang=en

1. PhD Student in Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Science, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran. Email: mehrdadghani.uniqom@gmail.com

2. Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Science, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran (Corresponding Author). Email: shossieni@um.ac.ir

3. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Science, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran. Email: saidzadeh@um.ac.i



تحلیل نقش دولت و حاکمیت، جامعه مدنی و مشارکت مردمی در پیشگیری از جرایم اقتصادی

مهرداد غنی^۱، سید حسین حسینی^۲✉، سید مهدی سیدزاده ثانی^۳

چکیده

زمینه و هدف: سیاست جنایی مشارکتی در ایران یک راهبرد آزمون شده برای پیشگیری از جرایم است. در همین ارتباط در حوزه‌های مختلفی سیاست جنایی مشارکتی می‌تواند راهبرد پیشگیری از جرایم را سرعت ببخشد. بر همین اساس هدف این پژوهش تحلیل نقش دولت و حاکمیت، جامعه مدنی و مشارکت مردمی در پیشگیری از جرایم اقتصادی است.

روش: در این پژوهش از روش آمیخته (اسنادی/ کمی) استفاده شده است. در بخش اسنادی با استفاده از دانش نظری موجود و تحقیقات پیشین نقش عوامل سه‌گانه دولت و حاکمیت، جامعه مدنی و مشارکت مردمی در پیشگیری از جرایم اقتصادی شناسایی شده است و سپس در بخش کمی پژوهش که کار میدانی بر روی داده‌های اسنادی انجام شده و ضمن سنجش اثرگذاری متغیرهای مستقل بر وابسته، روابط موجود در مدل نیز با استفاده از مدل‌سازی معادله ساختاری آزمون شده است.

یافته‌ها و نتایج: نتایج تحلیل نشان می‌دهد که جرایم اقتصادی در کشور از سه طریق دولت و حاکمیت، جامعه مدنی و مشارکت مدنی قابل پیشگیری هستند و سیاست جنایی مشارکتی به عنوان ابزاری موفق برای پیشگیری از جرایم اقتصادی است. در بخش کمی نیز نتایج نشان داده است که جامعه مدنی بر تبیین پیشگیری از جرایم اقتصادی با ضریب ۰/۷۲ اثر مستقیم و معناداری دارد و بعد از آن دولت و حاکمیت با ضریب ۰/۵۴ نیز اثر مستقیم و معناداری بر پیشگیری از جرایم اقتصادی داشته و در نهایت اثر مشارکت مردمی بر پیشگیری از جرایم اقتصادی با ضریب ۰/۴۰ اثر مستقیم و معناداری داشته است.

کلیدواژه‌ها: سیاست جنایی، جرم اقتصادی، پیشگیری از جرایم اقتصادی، دولت، جامعه مدنی، مشارکت مردمی.

*استناددهی (APA): غنی، مهرداد؛ حسینی، سید حسین؛ سیدزاده ثانی، سید مهدی. (۱۴۰۴). تحلیل نقش دولت و حاکمیت، جامعه مدنی و مشارکت مردمی در پیشگیری از جرایم اقتصادی. پژوهش‌های جرم‌شناسی کاربردی، ۳(۸)، ۱۹-۴۲.

https://qacr.ir/article_728968.html

۱. دانشجوی دکتری رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. رایانامه: mehrdadghani.uniyoum@gmail.com

۲. دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. (نویسنده مسئول). رایانامه: shossieni@um.ac.ir

۳. استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. رایانامه: saidzadeh@um.ac.ir

مقدمه

جرایم اقتصادی تأثیرات مخربی بر جامعه و اقتصاد کشورها دارند. در همین راستا سیاست جنایی نیز تمرکز ویژه‌ای بر پیشگیری از جرایم اقتصادی داشته است؛ چرا که اقتصاد در زندگی افراد جامعه، نقش بی‌بدیلی را ایفا می‌کند و به دلیل برخورد مستقیم با زندگی مردم، اساسی بوده و به هیچ عنوان نمی‌توان آن را نادیده گرفت؛ به نحوی که به نقل از معصومین، نابسامانی در حوزه اقتصاد نه تنها باعث اختلال در حوزه‌های دیگر زندگی می‌شود؛ بلکه دین و معاد انسان را نیز تحت تأثیر خود قرار می‌دهد (مومنی، روح‌الامینی و ساعد، ۱۴۰۱: ۱۰۹). از این‌رو جرایم مرتبط با جرم‌شناسی اقتصادی یک مشکل اجتماعی مهم است که شایسته توجه محققان برای درک این مشکلات و توسعه راه‌حل‌ها است. جرایم اقتصادی گونه‌ای از جرایم با انگیزه مالی و اعمال انحرافی است که توسط شرکت‌ها، گروه‌ها یا افراد انجام می‌شود که عمدتاً با فریب، بدون تهدید یا زور فیزیکی واقعی، علیه هر شخص یا نهادی به قصد منفعت یا ایجاد منفعت انجام می‌شود (باتون و شفرد^۱، ۲۰۲۳: ۸).

همچنین در ابتدایی‌ترین تعریف ویژگی‌های اساسی جرم اقتصادی شامل؛ رفتار انحرافی که ناقض قوانین جزایی اقتصادی است. جرم اقتصادی جنایتی که اساساً علیه منافع فردی نیست، بلکه علیه بخش‌های منفرد اقتصاد است و جنایتی که موجب خسارات جسمی، روانی، اجتماعی، اقتصادی و غیرمادی شود. این جرم بیشتر ناشی از سوء استفاده کردن از اعتماد و قدرت است (اشنایدر^۲، ۱۹۸۶: ۱۲۸). علاوه بر این جرایم اقتصادی یکی از آسیب‌های مهمی است که امنیت اقتصادی کشورها را مورد تهدید قرار می‌دهد. این موضوع به‌خصوص در کشورهایی که دارای اقتصاد رانته هستند، دارای ابعاد و مظاهر آشکارتری هست. جرایم اقتصادی با زنجیره‌ای از جرایم دیگر در ارتباط است؛ جرایمی از قبیل ارتشاء، تظهیر درآمدهای نامشروع یا پول‌شویی، جعل اظهارنامه‌های گمرکی یا مالیاتی و در حالت سازمان‌یافته ایجاد اختلال در نظام اقتصادی که هر یک به نوبه خود قدرت فراوانی در تخریب منافع ملی و سرمایه‌های اجتماعی دارد (مومنی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۱۱). بر همین اساس باید برنامه‌هایی برای مقابله با این جرایم در قالب سیاست‌های جنایی تدوین شود. در ایران هر یک از ارکان سیاسی، فرهنگی و علمی کشور به گونه‌ای به وضعیت اقتصادی وابسته شده و جرایم اقتصادی مانع دستیابی دولت به اهداف ملی شده است. این چالش مهم جریان عمومی امور را به مخاطره انداخته و به‌طور مستقیم امنیت کشور را متأثر می‌کند؛ به گونه‌ای که چالش‌های اقتصادی به وجود آمده کشور را به مرز بحران رسانده است (سلطانی اصل و همکاران، ۱۴۰۱: ۱). لازم به ذکر است عوامل زیادی بر سیاست‌های جنایی و اجرای آنها مؤثر است که تغییرات

1. Button & Shepherd
2. Schneider

اجتماعی جوامع بانی اصلی این تغییرات هستند. همواره در ساختار سیاست جنایی دو رکن عمده و اصلی پدیده جنایی (بزه و انحراف) و پاسخ یا راهکار هیأت اجتماع دولت و جامعه مدنی مورد توجه است که چهار رکن اصلی یعنی بزه، انحراف، پاسخ دولت و پاسخ جامعه مدنی عناصر اصلی ساختار فوق هستند.

هر چه تغییرات اجتماعی بر ساختار جوامع تحمیل می‌شود، سیاست جنایی نیز به گونه متفاوتی در بستر جوامع بروز می‌یابد و ساختار پیچیده‌ای به خود می‌گیرد. در این راستا نهادهای زیادی درگیر آن می‌شوند و حوزه‌های زیادی از علوم با آن مرتبط می‌گردد. در این مسیر بزه‌انگاری، بزه‌زدایی، انحراف‌انگاری، انحراف‌زدایی پاسخ‌گذاری راهکارگذاری و پاسخ‌دهی (که در مرحله رسیدگی به عنوان مثال، کیفری یا اداری با صدور حکم یا در مرحله پیشگیری با اتخاذ اقدام‌های ملموس وضعی پیشگیرانه توسط مردم و یا دولت صورت می‌گیرد) در واقع از صافی نهادهای وابسته به این دو جامعه می‌گذرد و به این مناسبت بین نامتغیرهای چهارگانه روابطی برقرار می‌شود که به سهم خود در ساخت مدل سیاست جنایی نقش عمده دارد که بر حسب نوع رویکرد سیاست جنایی به این نامتغیرها مدل‌های سیاست جنایی از یکدیگر قابل تفکیک هستند. در راستای تعریف و شناسایی مدل‌های سیاست جنایی دلماس - مارتی^۱ (۱۳۹۸) چندین مدل مهم معرفی کرده است. این مدل‌ها شامل؛ مدل دولت - جامعه مدنی لیبرال (دموکراتیک)، مدل اقتدارگرا، مدل اقتدارگرای فراگیر و مدل جامعوی سیاست جنایی هستند. برخلاف عناصر چهارگانه ساختار سیاست جنایی که همواره ثابت هستند، جایگاه جامعه مدنی در حوزه علوم جنایی و پاسخ به پدیده مجرمانه متغیر بوده و با توجه به شرایط جامعه تضعیف و تقویت می‌گردد. به‌طورکلی هدف مداخله و ورود جامعه مدنی به فرایند دادرسی تأمین امنیت و اغنای افکار عمومی بوده که این مهم با تعامل دست‌اندرکاران دولتی و جامعوی حاصل می‌شود. به تعبیر دیگر جایگاه واقعی جامعه مدنی رسیدگی به جرایم با توجه به ساختار اجتماعی به جای توجه به ساختار فردی جرم‌انگاری و مجازات است. تأثیر جامعه مدنی در تمامی ارکان جامعه از سطح کلان تا خرد همواره مشهود بوده است و یکی از مهم‌ترین حوزه‌ها در این باب حوزه اقتصاد است. آنچه در این میان اهمیت بررسی و پژوهش دارد، تحلیل مقایسه‌ای نقش دولت و حاکمیت؛ جامعه مدنی و مشارکت مدنی در پیشگیری از جرایم اقتصادی است. به همین دلیل این موضوع هم به لحاظ اسنادی و هم به لحاظ میدانی بررسی شده است.

1. Delmas-marty

۱. روند تحول سیاست جنایی

سیاست جنایی از مباحث مطرح در حقوق جزا بوده و عبارت است از مجموعه شیوه‌های سرکوب‌گرانه‌ای که دولت با استفاده از آنها علیه جرم واکنش نشان می‌دهد. سیاست جنایی تقنینی با استفاده از ابزار قوانین که شامل قانون اساسی، قوانین جزایی و آئین دادرسی کیفری است و با استفاده از ابزارهای قضایی که مقام قضایی بنا بر اختیارات خود می‌تواند از آنها استفاده کند (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۸۲: ۳). سیاست جنایی یکی از حوزه‌هایی است که باید در کانون توجه جرم‌شناسی قرار گیرد (دارما، ۲۰۲۲: ۲۴۱). مفهوم حقوق کیفری اقتصادی یا سیاست جنایی در حوزه اقتصاد مانند خود جرم اقتصادی مورد مناقشه است، با این حال، هنجارهای مندرج در قوانین بسیاری از کشورها، سیاست جنایی در حوزه اقتصاد مجموعه‌ای از هنجارهای کیفری برای حمایت از اقتصاد ملی، اقتصاد تجاری، اقتصاد مالی و عموم مردم و مصرف‌کنندگان هستند. تلاش‌های اصلاحی در زمینه حقوق کیفری اقتصادی در سال‌های گذشته شروع شده و هنوز هم در بسیاری از کشورها به منظور پیشگیری از جرایم اقتصادی دنبال می‌شود (اشنایدر^۱، ۱۹۸۶: ۱۲۸).

اصطلاح سیاست جنایی به عنوان رشته مطالعاتی علمی برای نخستین بار دانشمند آلمانی آنسلم فون فوئرباخ^۲ در کتاب حقوق کیفری او که در سال ۱۸۰۳ چاپ و منتشر گردید، به کار برده شده است. فوئرباخ سیاست جنایی را مجموعه شیوه‌های سرکوب‌گرانه‌ای که دولت با استفاده از آنها علیه جرم (بزه کیفری) واکنش نشان می‌دهد، تعریف کرده و بدین ترتیب مفهوم مضیقی از آن به دست داده که در واقع همان معنای سیاست کیفری را متبادر می‌سازد؛ سیاست جنایی در تفکر فوئرباخ با چندین شاخصه اصلی تعریف می‌شود. این سیاست‌ها مبتنی و مجهز به تدبیرهایی است که از نظر ماهیت قهرآمیز و تنبیهی هستند؛ یعنی آنچه حقوق کیفری برای مقابله با مجرمان در اختیار آن می‌گذارد؛ و جنبه رسمی یعنی دولتی دارد و صرفاً توسط قوای عمومی تشکیل‌دهنده حاکمیت به اجرا گذاشته می‌شوند؛ زیرا در این دیدگاه تأمین امنیت اجتماعی از وظایف انحصاری دولت تلقی می‌شود. در نهایت سیاست جنایی صرفاً به مبارزه علیه «جرم» یا بزه کیفری پدیده‌ای که تعریف و حدود و ثغور و انواع آن را قانون‌گذار کیفری مشخص کرده، می‌پردازد و به دیگر بزه‌ها مانند بزه‌اداری، بزه انتظامی، بزه انضباطی و نیز رفتارهای منحرفانه که به لحاظ اجتماعی و اخلاقی مذموم شمرده می‌شوند و ضمانت اجرای حقوقی ندارند، توجهی نمی‌کند و بدین‌سان بزه‌های غیرکیفری و انحرافات اجتماعی از قلمرو اقدام‌های آن خارج می‌کند. از آنجایی که پیشگیری از جرم صرفاً با سرکوب کیفری محقق

1. Dharma
2. Schneider
3. Anselm von Feuerbach

می‌شود (پیشگیری کیفری)؛ بنابراین اقدام‌های اجتماعی پیشگیرانه و پیشگیری غیرکیفری یا پیشگیری جرم‌شناختی در سیاست جنایی مورد نظر فوئرباخ که همانا سیاست کیفری باشد، جایگاهی ندارد (لازرژ، ۱۴۰۰: ۱۱). بر همین اساس سیاست جنایی، یعنی تلاش برای تحقق مقررات خوب متناسب با شرایط و موقعیت در یک زمان یا سیاست دولت از طریق مراجع مجاز برای وضع مقررات مورد نظر که انتظار می‌رود برای بیان آنچه در جامعه وجود دارد استفاده شود (دارما، ۲۰۲۲: ۲۴۱).

به‌طور کلی از زمانی که بشر متوجه این انحرافات از موارد پذیرفته شده و تخلفات عمومی شد، مکانیسم‌ها و اشکالی ایجاد شد که چگونه می‌توان از خود در برابر تخلف محافظت کرد و چگونه از وقوع آن جلوگیری کرد. اصطلاح سیاست جنایی در تعاریف اولیه حقوقی معمولاً به چشم نمی‌خورد و بیشتر از مفهوم عدالت کیفری استفاده شده است. این ممکن است به دو دلیل مرتبط باشد؛ اولاً، اصطلاح مذکور به اندازه کافی در فرهنگ حقوقی مورد پذیرش، رایج نبوده است؛ ثانیاً ممکن است در علم حقوق اروپا با شکل‌گیری و تحقق خط مشی حقوقی در نظام رویه حقوقی مشکلات خاصی وجود داشته باشد. منطقی است که علت اول عدم استفاده و محبوبیت سیاست جنایی با گروه عوامل دوم مرتبط باشد. سیاست قانونی در کل و همچنین مکانیسم (سیاست) دولت می‌تواند در سطح بسیار بالاتری باشد. دولت، از جمله حوزه دادرسی کیفری، می‌تواند قابل مشاهده‌تر، نتیجه بخش‌تر و همچنین مؤثرتر باشد. با تحلیل جایگاه اهمیت سیاست جنایی در کل نظام سیاسی، می‌توان به دیدگاه‌های گوناگونی درباره جایگاه سیاست جنایی در کل ساختار سیاسی مدیریت دولتی و نیز محتوا و ماهیت واژه مذکور دست یافت. بدون شک با بیان جایگاه سیاست جنایی در کل نظام سیاسی و نیز محتوا، می‌توان اهداف، مقاصد، اصول، روش‌های سیاست جنایی و چشم‌اندازهای توسعه بیشتر آن را تدوین کرد. در تئوری جنایی اشاره شده است که ما با رژیم روزانه روایت‌ها و تصاویر عدالت کیفری زندگی می‌کنیم که در آنها جرم‌انگاری و مجازات عمدتاً مرتبط با دولت ملت نشان داده می‌شود. در واقعیت، جرایم به‌راحتی از مرزها عبور می‌کنند و حداقل تا حدی در فضای سایبری به‌طور فزاینده‌ای رخ می‌دهد. در «جهانی در حرکت» که در آن محصولات، خدمات و مردم همیشه از مرزها عبور می‌کنند، جرم جز یک استثنا است» این باید در نظر گرفته شود (وبکز، ۲۰۱۹: ۱۱۵). سیاست جنایی دارای تعاریف مختلفی است و اندیشمندان زیادی تعاریف مختلفی از آن ارائه داده‌اند که برخی تعاریف در ادامه معرفی شده‌اند.

فوئرباخ: در سال ۱۸۰۳ فوئرباخ آلمانی در کتاب «رساله حقوق کیفری» اصطلاح سیاست جنایی را به‌کار برد. او سیاست جنایی را مجموعه روش‌های کیفری یا سرکوبگر که دولت بر

1. Dharma
2. Vilks

اساس آن به جرم پاسخ می‌دهد، در نظر گرفت. لذا فوئر باخ فقط به کیفر در برابر جرم توجه کرد. در نظر او، سیاست جنایی «مجموعه شیوه‌های سرکوبگرانه‌ای است که دولت با استفاده از آنها علیه جرم واکنش نشان می‌دهد» و در جای دیگر عنوان می‌کند: سیاست جنایی «تدابیر و چاره‌اندیشی حکومت قانونی» یا «خردمندی تقنینی دولت» و بالاخره «مجموعه اصولی که دولت و جامعه به وسیله آن‌ها مبارزه علیه بزهکاری را سازمان می‌بخشد» تعریف می‌شود (لازرژ، ۱۴۰۰: ۹). به طور کلی از دیدگاه او سیاست جنایی، شامل مجموعه شیوه‌هایی سرکوب می‌شود که دولت از طریق آن‌ها و با توسل به آن‌ها علیه جرم واکنش نشان می‌دهد (دلماس مارتی، ۱۳۹۸: ۲۳). بدین سان سیاست جنایی از مفهوم مضیق یعنی «سیاست کیفری» به سمت مفهوم موسع یعنی «سیاست جنایی» و به معنای امروزی آن تحول می‌یابد.

فون لیست: حقوق‌دان، جرم‌شناس و اصلاح‌گر حقوق بین‌الملل آلمانی بود. او افزون بر دولت، جامعه مدنی را نیز در سازمان‌دهی مبارزه با جرم یعنی پدیده صرفاً جنایی مشارکت می‌دهد؛ ولی توضیح‌ها و تفسیرهایی که در صفحه‌های مختلف کتاب خود درباره مفهوم و جایگاه سیاست جنایی ارائه می‌دهد، بیانگر آن است که دیدگاه او در این قلمرو، به دیدگاه فوئر باخ نزدیک بوده و مراد وی از سیاست جنایی، عمدتاً همان سیاست کیفری است؛ زیرا سیاست جنایی تنها شامل اقدام‌هایی با خصیصه فردی می‌شود که در قبال بزهکاران قابل اتخاذ و اعمال است (جشک و نورتن^۱، ۲۰۲۴: ۱). فون لیست به دقت سیاست جنایی را از سیاست اجتماعی تفکیک می‌کند. وی معتقد است که سیاست اجتماعی شامل همه تدابیری است که هدفشان از میان بردن یا محدود کردن عوامل اجتماعی جرم‌زا است. به عکس، سیاست جنایی تنها شامل تدابیر فردی می‌شود که ممکن است در مقابل بزهکاران اتخاذ گردند (لواسور، ۱۳۷۱: ۴۰۰).

پل کوش: حقوق‌دان فرانسوی و نگارنده شماری از رساله‌های حقوقی در زمینه سیاست جنایی و سیاست کیفری بود. کوش در یک بحث نظری و علمی در مقام تعیین جایگاه سیاست جنایی در میان سایر رشته‌های علوم جنایی بوده و از نظر عملی مبارزه با جرم یعنی سرکوبی بزهکاری را شایسته برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری از پیش تعیین شده می‌داند (لازرژ، ۱۴۰۰: ۱۲). به طور کلی در نظر کوش در جوامع مدرن حقوق جزا می‌تواند فصلی با عنوان «کناره‌گیری تدریجی قانون‌گذاران در نظام قضایی» داشته باشد (پیفری^۲، ۲۰۲۰: ۳۷). این بدان معنی است که نظام‌های قضایی از سیاست صرفاً کیفری به سیاست جنایی ورود کند و سایر اعضای جامعه و بخش‌های مدنی به بحث پیشگیری از جرم ورود کنند.

مارک آنسل: او یک قاضی و نظریه‌پرداز حقوقی، نویسنده نظریه کیفری به نام «جدید»

1. Jescheck & Norton
2. Pifferi

است. او مفهوم دفاع اجتماعی که شامل بازنگری در کل سیستم کیفری حول بازپروری اجتماعی مجرم است؛ را وارد سیاست جنایی کرد. کار او برای حقوق دانان بعدی مبنای تدوین قانون مجازات جدید بود. مارک آنسل زمانی اظهار داشت که علوم جنایی مدرن از سه جزء جرم‌شناسی، حقوق جزا و سیاست کیفری تشکیل شده است. او بیان کرد که سیاست کیفری یک علم و همچنین هنری است که در نهایت هدفی عملی دارد تا بتواند مقررات قانونی مثبت را بهتر تدوین کند تا نه فقط قانون‌گذاران، بلکه برای دادگاه‌های اعمال قانون و همچنین سازمان‌دهندگان یا مجریان تصمیمات دادگاه راهنمایی کننده باشد (دارما، ۲۰۲۲: ۲۴۱)؛ بنابراین سیاست جنایی از مفهوم مضیق یعنی سیاست عدالت جنایی (کیفری) و سیاست کیفری به سوی مفهوم موسع یعنی سیاست جنایی و سیاست اجتماعی کنترل جرم به معنای امروزی آن تحول می‌یابد.

میری دلماس مارتی: حقوقدان فرانسوی، استاد افتخاری کالج دو فرانس و عضو آکادمی علوم اخلاقی و سیاسی بود. دلماس مارتی در تبیین سیاست جنایی برداشت فوئرباخ را از یک سو با توجه به تحولاتی که علوم جنایی به‌طور کلی و سیاست جنایی به‌طور خاص در دو سده گذشته تحت تأثیر یافته‌های مطالعات جرم‌شناختی، کیفرشناختی، جامعه‌شناسی کیفری حقوق بشر و حقوق بین‌المللی به خود دیده و از سوی دیگر با توجه به تحولات کمی و کیفی انواع جرایم و نحوه مبارزه با آنها روی داده است؛ مورد تجدید نظر قرار داد. به‌طورکلی ایشان تاکنون مشهورترین فردی محسوب می‌گردد که تعبیری موسع‌تر از آنچه استادش مارک آنسل به آن قائل بود، ارائه نموده است. از نظر ایشان، سیاست جنایی، شامل مجموعه روش‌هایی می‌شود که هیات اجتماع با توسل به آنها به سامان‌دهی پاسخ‌ها در قبال پدیده مجرمانه، می‌پردازد (دلماس مارتی، ۱۳۹۸: ۲۳). دلماس مارتی بر این باور است که باید از سیاست جنایی مفهومی را گزینش نماییم که عمده پاسخ‌ها رویکرد غیرکیفری داشته باشند (پایدارفرد و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۴۳). بر پایه این تعریف، سیاست جنایی به عنوان یک مفهوم موسع؛ اولاً پاسخ‌ها نسبت به پدیده مجرمانه، صرفاً محدود به پاسخ کیفری نمی‌شود، بلکه دیگر نظام‌های حقوقی (اداری، مدنی، انضباطی، انتظامی، مالیاتی، اجتماعی و...) را نیز در برمی‌گیرد و جامعه مدنی در کنار دولت به سازمان‌دهی، پرداخت و اجرای سیاست جنایی می‌پردازد.

۲. سیاست جنایی در جرایم اقتصادی

جرم اقتصادی شامل هر پدیده جنایی می‌شود که از سوی اشخاص حقیقی یا حقوقی، غالباً ساختارمند، بدون خشونت و از طریق تزویر و فریب یا سوءاستفاده از موقعیت یا فرصت و با هدف کسب منفعت یا تحصیل امتیاز غیرقانونی علیه سیاست‌های اقتصادی یا فعالیت‌های

اقتصادی ارتکاب می‌یابد و موضوع آن امنیت اقتصادی در سطح کلان است و نتیجه بالقوه یا بالفعل آن اخلال در نظام اقتصادی است (حطمی، پاکزاد، فرح بخش و خسروی، ۱۳۹۸: ۹۶). جرایم اقتصادی از زمان شکل‌گیری مالکیت خصوصی وجود داشته‌اند. از طرفی هم وجود نظام‌های مختلف اقتصادی سبب شده تا اعمال مخل سیاست‌ها و فعالیت‌های اقتصادی به فراخور زمان‌ها و مکان‌های مختلف، واکنش اجتماعی متفاوتی را در پی داشته باشد. این چندگانگی در عرصه اقتصاد و واکنش‌های اجتماع، ارائه تعریف از جرم اقتصادی را دشوار می‌سازد (میرسعیدی و زمانی، ۱۳۹۲: ۱۶۷). جرایم اقتصادی یکی از چالش‌های جوامع در جهان کنونی به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه است که امنیت کشورها را مورد تهدید قرار می‌دهد (مصطفی‌پور، ۱۳۹۵: ۵۳). این جرایم اگرچه بسیار متنوع هستند، اما همگی در یک ویژگی بنیادین که به نوعی، از پیامدهای وقوع آن‌هاست، مشترک هستند و آن، تأثیرات بی‌بدیل این جرایم بر نظام‌های اقتصادی و کارکرد آن‌هاست. در جرایم اقتصادی، نتیجه مجرمانه یعنی اخلال در نظام اقتصادی کشور و انگیزه کسب منفعت در سطحی گسترده، دو شاخصی است که دشواری‌ها و چالش‌های پیشگیری از این قبیل جرایم را مطرح می‌کند (شمس‌ناتری و توسلی‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۹۹). بر همین اساس امروزه یک گرایش جهانی به دنبال ارائه سیاست‌های جنایی در حوزه مسائل اقتصادی است که بر اساس آن قوانین کیفری را در مقابله با جرایم اقتصادی به عنوان ابزاری بازدارنده در اولویت قرار دهد؛ بنابراین می‌توان از جایگاه حقوق کیفری در پیش‌بینی تخلفات مربوط به مسائل اقتصادی به عنوان یک راهبرد نهایی استفاده کرد. در این حوزه توجه جرم‌انگاری برای یک مجرم اقتصادی، نباید قدرت انسانی او را در دستیابی به ارزش‌های جدید و سازگاری‌های جدید از بین ببرد؛ بنابراین در عین حال، مجرم باید از طریق «تلاش‌های بهبود» مختلف برای دستیابی به شکل کامل‌تری به عنوان یک انسان هدایت شود، از طرف دیگر باید برای کنترل جرایم اقتصادی اقدامات و سیاست‌هایی نیز وجود داشته باشد (کتارن^۱، ۲۰۲۱: ۵۵). بر همین اساس سیاست‌های جنایی در حوزه اقتصادی رویکردهای مختلفی داشته و به‌طور کلی می‌توان سه دسته سیاست جنایی در جرایم اقتصادی تعریف کرد.

1. Ketaren

۳. روش

در پژوهش حاضر از روش آمیخته (اسنادی/ کمی) استفاده شده است. در این روش ابتدا با مرحله گردآوری و تحلیل داده‌های اسناد شروع شده و سپس گردآوری و تحلیل داده‌های کمی انجام می‌شود و در مرحله تفسیر یافته‌ها با هم پیوند می‌خورند. در بخش اسنادی با استفاده از دانش نظری موجود و تحقیقات پیشین نقش عوامل سه‌گانه دولت و حاکمیت؛ جامعه مدنی و مشارکت مردمی در پیشگیری از جرایم اقتصادی شناسایی شده و سپس در بخش کمی پژوهش که کار میدانی بر روی داده‌های اسنادی انجام شده است، با استفاده از پرسشنامه محقق‌ساخته اطلاعات مورد نیاز از نخبگان، کارشناسان و اساتید حوزه سیاست جنایی جمع‌آوری شده است. نمونه‌گیری هم به کمک فرمول کوکران به تعداد ۸۰ نفر برآورد شد، در ادامه اطلاعات جمع‌آوری شده مورد تحلیل کمی قرار گرفته و ضمن سنجش اثرگذاری متغیرهای مستقل بر وابسته، روابط موجود در مدل نیز با استفاده از مدل‌سازی معادله ساختاری آزمون شده است.

۴. یافته‌ها

یافته‌های این پژوهش در دو بخش اسنادی و میدانی تدوین شده است. در بخش اسنادی بر پایه گزارش‌های معتبر پژوهشی و رویکردهای نظری پیشین روند تحول سیاست جنایی در حوزه جرایم اقتصادی تحلیل شده است و در بخش میدانی این یافته‌های اسنادی با انجام فرآیند شاخص‌سازی از یافته‌ها و تکمیل پرسشنامه‌های محقق‌ساخته در بین نخبگان، کارشناسان و اساتید حوزه سیاست جنایی تحلیل شده است.

۴-۱. بررسی اسنادی

۴-۱-۱. سیاست جنایی مشارکتی در جرایم اقتصادی

در سیاست جنایی کشورهای شمال اروپا به منظور پیشگیری از جرم اقتصادی اقدامات گسترده‌ای انجام شده است. شوراهای پیشگیری از جرم اسکاندیناوی سعی کرده‌اند ایدئولوژی مشترک خود را به عنوان «مدل نوردیک» بیان کنند. با این حال، پیشگیری از جرم اقتصادی در اسکاندیناوی نه از نظر تئوری و نه از لحاظ روش‌شناختی پیشینه خاصی ندارد و رویکردی جدید برای پیشگیری از جرم است. ویژگی‌های مشترک این سیاست جنایی به بهترین وجه در زمینه همکاری طولانی‌مدت شمال اروپا در جرم‌شناسی و پیشگیری از آن درک می‌شود. در این رویکرد کشورهای شمال اروپا می‌توانند نمونه‌هایی از پیشگیری موفق از جرم ارائه دهند تا مورد استفاده سایر اعضا و دیگر کشورهای جهان قرار گیرد. بر همین اساس پیشگیری از جرم

اقتصادی نیاز به یک رهیافت مشارکتی برای نتیجه بهتر دارد (تکالا^۱، ۲۰۰۵: ۱۳۲). امروزه نیز با توسعه ارتباطات و مبادلات اقتصادی و جهانی شدن بازارهای مالی، دیگر نمی‌توان با توجه به شرایط داخلی جرم اقتصادی را تعریف نمود، بلکه پیوندهای اقتصادی بازارهای مالی میان کشورها و بازارهای منطقه‌ای و بحران‌های اقتصادی که به صورت فراگیر کل منطقه و حتی جهان را تحت تأثیر قرار می‌دهد، موجب شده تا سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای رفتارهای محل نظم اقتصادی را تحت عنوان جرایم اقتصادی و فساد مورد بررسی قرار داده و مقرراتی در جهت مبارزه با این‌گونه جرایم وضع نمایند. از اقدامات سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای در جهت سیاست‌های مقابله با جرایم اقتصادی، یکی کنوانسیون پالمو است که در سال ۲۰۰۰ میلادی تحت عنوان کنوانسیون مبارزه علیه جرایم سازمان‌یافته فراملی با هدف مبارزه با جرایم سازمان‌یافته است که بخشی از این جرایم دارای ماهیت اقتصادی است، در شهر پالمو در ایتالیا به تصویب ۴۰ دولت رسیده و در سال ۲۰۰۳ نیز لازم‌الاجرا شده است و دیگری کنوانسیون مریدا است که در سال ۲۰۰۳ میلادی با موضوع و هدف مبارزه با مفاسد اداری و مالی در شهر مریدا در مکزیک به تصویب رسید که برخلاف کنوانسیون پالمو، به‌طور مستقیم به برخی از مصادیق جرایم اقتصادی در مواد ۱۵، ۲۰، ۲۲، ۲۳ و ... پرداخته است. به‌علاوه کنوانسیون‌های منطقه‌ای نیز در زمینه جرایم اقتصادی به تصویب رسیده است که از این میان می‌توان به کنوانسیون سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، کنوانسیون حقوق مدنی شورای اروپا مصوب ۱۹۹۹ با موضوع مبارزه با فساد مالی کنوانسیون مبارزه با فساد مالی کارمندان جوامع اروپایی مصوب ۱۹۹۷ کنوانسیون جرایم سایبر و کنوانسیون اتحادیه آفریقایی برای پیشگیری و مبارزه با فساد مالی مصوب ۲۰۰۳ اشاره کرد (میرسعیدی و زمانی، ۱۳۹۲: ۱۷۳). بر همین اساس سیاست جنایی مشارکتی در جرایم اقتصادی مانند سایر جرایم مستلزم حضور و مشارکت مردم و نهادهای جامعه در سیاست جنایی است تا روند پیشگیری از جرایم اقتصادی با موفقیت بیشتری همراه شود. جرایم اقتصادی ضمن دارا بودن مختصات دیگر جرایم، به دلیل داشتن تبعات گسترده، پرنفوذ و ماندگار و عواملی بسیار مهم از جمله ظرفیت بالا برای مشروعیت‌زدایی از نظام سیاسی و به فرسایش کشاندن اعتماد عمومی، در زمره جرایم پرخطر اجتماعی قرار می‌گیرد (سراج، ۱۴۰۰: ۵۶).

در همه کشورها بسیاری از مشکلات امنیت عمومی مانند جرایم اقتصادی، قابل پیشگیری هستند، بنابراین تعامل پلیس و نهادهای محلی در بسیاری از شرایط تضمینی برای ایجاد امنیت است. از طرفی هم پلیس به دنبال تقویت مشارکت‌ها بین پلیس و نهادهای مردمی در راستای جرم‌یابی و پیشگیری از جرایم اقتصادی است. در جوامعی که پلیس از پتانسیل‌های مردمی در

1. Takala

قالب نهادها و انجمن‌های غیرانتفاعی به خوبی استفاده کند، می‌تواند شاهد موفقیت‌های زیادی در راستای اهداف و وظایف خود باشد. بر همین اساس پلیس ایالات متحده به منظور کمک به روندهای پلیسی خود، اختیارات ویژه‌ای به شهروندان فعال در انجمن‌های محلی داده است (پلنت و اسکات، ۲۰۰۹: ۲۱). بر همین اساس برای پیشگیری از این جرایم لزوم درگیر کردن مردم و نهادهای مردمی یک ضرورت کارکردی است. این جرایم اگرچه بسیار متنوع هستند، اما همگی در یک ویژگی بنیادین که به نوعی، از پیامدهای وقوع آنهاست، مشترک هستند و آن، تأثیرات بی‌بدیل این جرایم بر نظام‌های اقتصادی و کارکرد آنهاست. در جرایم اقتصادی، نتیجه مجرمانه، یعنی اخلال در نظام اقتصادی کشور و انگیزه کسب منفعت در سطحی گسترده، دو شاخصی است که دشواری‌ها و چالش‌های پیشگیری از این قبیل جرایم را مطرح می‌کند (شمس‌ناتری و توسلی‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۹۹). دقیقاً به همین دلیل برای پیشگیری از این جرایم لازم است افراد و نهادهای مختلفی با هم همکاری داشته باشند. همچنین به دلیل لزوم رعایت مصلحت عمومی، اجتماع و مشارکت هرچه بیشتر جامعه مدنی در عرصه‌های مهم اجتماعی مورد توجه است. مردم در بسیاری از عرصه‌های جامعه‌ی، کارآیی بالایی داشته و در صورت فراهم بودن فرصت‌های حمایتی، خواهند توانست پا به پای بخش دولتی و حتی بیشتر از آن حرکت نمایند. برآیند این مشارکت در حوزه قضایی می‌تواند کاهش رقم سیاه بزهکاری، جلوگیری از تضييع حقوق افراد آسیب‌پذیر اجتماع، ارتقای کیفیت کاری دستگاه‌های حکومتی و قضایی باشد. البته، مشروط به اینکه در تمامی این حوزه‌ها محدوده مشخص و قانونی برای مداخله و مشارکت این سازمان‌ها تعریف گردد (سیدجوادی و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۱).

در واقع نقش و جایگاه مردم و جامعه مدنی در عرصه علوم جنایی و واکنش به پدیده مجرمانه خاصه در قبال جرایم اقتصادی همواره متغیر بوده و در تاریخ عدالت کیفری نیز همین وضعیت را پشت سر گذاشته است (حاجی تبار فیروزجایی، اصغری و شاکری، ۱۴۰۰: ۱). در روند این تحول می‌توان به نقش سیاست جنایی اسلام اشاره کرد. یکی از انواع سیاست جنایی مشارکتی، سیاست جنایی در اسلام است. دین مبین اسلام در تمام دوران نسبت به بیت‌المال و جرایمی که به نحوی سبب دست‌درازی به اموال مردم بوده با حساسیت خاصی واکنش داده است و همین سیاست به اشکال مختلف نیز ادامه داشته است و دو نوع سیاست کنشی و واکنشی در قبال جرم اقتصادی وجود داشته که در ذیل به تشریح آنها پرداخته شده است. سیاست کنشی جنایی عمل شامل آن دسته از اقدامات غیرکیفری است که قبل از ارتکاب جرم و انتقال اندیشه به عمل با مداخله در شرایط مجرمانه انجام می‌شود. اساساً در ارتکاب جرم اقتصادی سه گروه احتمال وقوع جرم قابل تصور است، دسته اول اشخاص حقیقی یا شهروندان

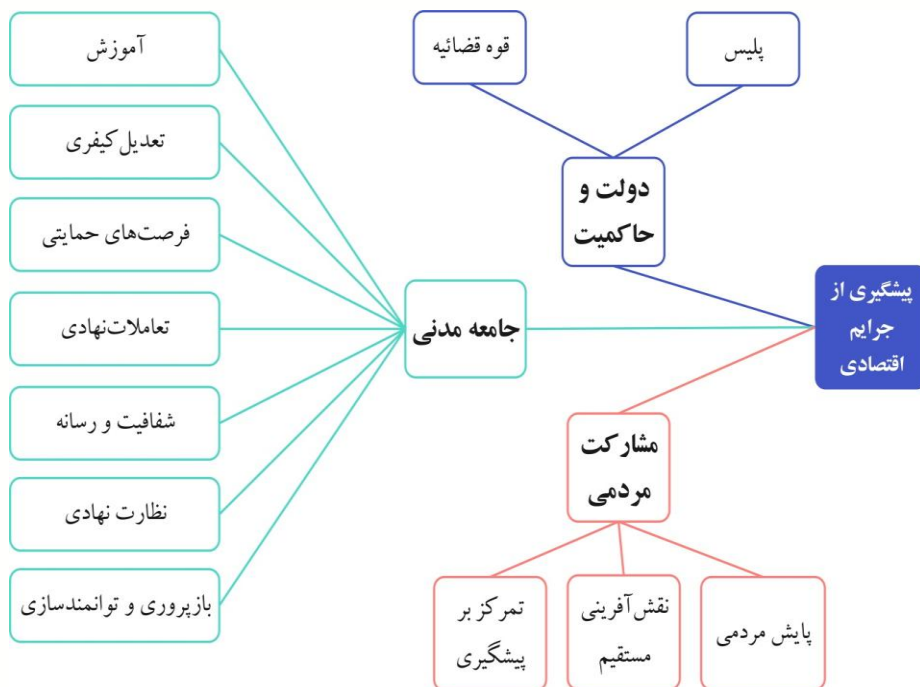
هستند؛ گروه دوم اشخاص حقوقی خصوصی، شرکت‌ها و شرکت‌های خصوصی که ارتکاب جرایم اقتصادی توسط آنها گسترده‌تر است و گروه سوم اشخاص حقوقی دولتی و شبه‌دولتی که در اکثر موارد طرفین جرایم گسترده و سازمان‌یافته هستند (حاجی تبار فیروزجایی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۱). اساساً از منظر اسلام سیاست جنایی نمی‌تواند تنها به پاسخ‌های کیفری به جرم و در قالب قانون کیفری و آیین دادرسی کیفری محدود شود، بلکه رویکرد بازدارنده و پیشگیرانه نیز در تبیین سیاست جنایی نقش اساسی دارد. علاوه بر این در سیاست جنایی اسلام بحث از راهبردهای غیرکیفری، مانند راهبردهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، وضعی و موقعیتی اشاره شده است. در بیان سیاست کیفری اسلام نیز به بیان دامنه انواع جرایم و مجازات‌ها و نحوه جرم‌انگاری، کیفرانگاری، تعدیل سیاست کیفری، اصول حاکم بر سیاست کیفری به‌ویژه تفاوت این سیاست‌ها در واکنش علیه بزهکاری یقه‌سفیدها و یقه‌آبی‌ها پرداخته است و سیاست جنایی اسلام در اعتبار اجتماعی جرم، ضمن در نظر داشتن تحولات اجتماعی و به منظور تضمین حرکت انسان‌ها، اعتبارات شرعی را به‌عنوان ملاک و معیار تدابیر سیاست جنایی لحاظ می‌کند (نصیری، ۱۴۰۱: ۳۱). به‌طورکلی برخورد و پیشگیری از جرایم اقتصادی در شرایط مختلف، متفاوت بوده و مسلم است که جلوگیری از مفاسد اقتصادی توسط دولتمردان قدرتمند و بانفوذ که مدعی مبارزه با مفاسد اقتصادی نیز هستند، بسیار دشوار است. برای کنترل بهتر مفاسد اقتصادی، دولت نیاز به مدیریت صحیح محیط فیزیکی و اجتماعی دارد تا فرصت‌های جرم و جنایت را به حداقل برساند. این کنترل بدون مشارکت مردم محقق نخواهد شد و از طریق جلب مشارکت نهادهای مدنی و شهروندان مدیریت صحیح محیط‌های فیزیکی، اجتماعی و جنایی را می‌توان به‌خوبی کنترل کرد.

۴-۱-۲. ارائه مدل سیاست جنایی مشارکتی

با گذشت زمان و آشکار شدن ضعف‌های سیاست جنایی تقنینی و قضایی، لزوم مشارکت دادن نهادهای جامعه و مردم در سیاست جنایی بیش از هر زمان دیگری احساس شد. از طرفی هم مصلحت جامعه ایجاب می‌کرد که رویکردهای همه‌جانبه‌ای برای پیشگیری از جرایم اقتصادی در حال رشد اتخاذ شود. تجربه مثبت سیاست‌گذاری‌های اجتماعی در حوزه جلب مشارکت‌های مردمی، این احساس نیاز سیاست جنایی به مشارکت مردمی را بیش از هر زمان دیگری تقویت کرده بود. بر همین اساس یک رویکرد جدید در سیاست جنایی مرسوم شد و آن به‌کارگیری جامعه مدنی و مشارکت مردمی در فرایند سیاست جنایی بوده است. خروجی این فعالیت به وجود آمدن مدل سیاست جنایی مشارکتی بوده است. پیشنهاد سیاست جنایی مشارکتی یا سیاست جنایی با مشارکت وسیع جامعه مدنی؛ یعنی در نظر گرفتن اهرم‌های تقویتی و نهادهای واسطه دیگری به غیر از نهاد پلیس یا قوه قضاییه برای پیشگیری از جرم در



جامعه است؛ بنابراین سیاست جنایی مشارکتی مجموعه‌ای از تلاش‌های هماهنگ دولت، جامعه مدنی و مردم خواهد بود که در مقایسه با سایر سیاست‌های جنایی احتمال موفقیت بیشتری دارد. شمای کلی مدل در نمودار زیر به تصویر کشیده شده است.



نمودار ۱- مدل سیاست جنایی مشارکتی در پیشگیری از جرایم اقتصادی

آنچه شمای کلی مدل نشان می‌دهد، بزهکاری و انحراف در سیاست جنایی مشارکتی هم از دولت و حاکمیت، هم از جامعه مدنی و هم از مردم پاسخ می‌گیرد؛ بنابراین این سه عنصر ضمن رفع کردن نواقص یکدیگر، می‌توانند برای پیشگیری از جرم همکاری و تعامل داشته باشند. بر همین اساس سیاست جنایی مشارکتی به عنوان ابزاری موفق برای تبدیل سیاست‌های قدیمی کیفری به سیاست‌هایی مشارکتی جدید بوده و به‌طور قابل توجهی بر روندهای پیشگیری از جرم تأثیر داشته است. به‌طور کلی مدل سیاست جنایی مشارکتی تمام معنای خود را با هم‌جواری زمانی و مکانی کنشگران پیشگیری، سرکوب کیفری، بازپذیرسازی اجتماعی بزهکار و پاسخ‌های دولتی و جامعه‌ای به پدیده مضاعف انحراف و جرم پیدا می‌کند (لازرژ، ۱۴۰۰: ۱۸۲). بر همین اساس یکی از مهم‌ترین عناصر مدل سیاست جنایی مشارکتی، جامعه مدنی است. جامعه مدنی به عنوان نقش واسطه‌ای در بزهکاری و دادرسی می‌تواند سیستم دادرسی را به عدالت کیفری نزدیک‌تر کند. در ابتدایی‌ترین وظیفه جامعه مدنی توانایی آموزش

به مجرمان و بزه‌کاران را دارد و با تأکید بر آموزش همگانی می‌تواند بر پیشگیری از وقوع جرایم مختلف موفق عمل کند. جامعه مدنی کیفرهای شدید گذشته را تعدیل و نظام قضایی را وادار به کوتاه آمدن از سزادهی‌های خشن کرده است؛ به عبارت دیگر جامعه مدنی از سیستم قضایی در سطح بالایی خشونت‌زدایی کرده است. برعکس سیاست جنایی تقنینی که مجرم را در هر شرایطی محکوم و کیفر می‌دهد، سیاست جنایی مشارکتی با واسطه جامعه مدنی، فرصت‌های حمایتی از مجرمان را در پرتو آزادی‌های فردی و حقوق بشری در نظر می‌گیرد و برای این کار از نهادهای مانند بهزیستی، مراکز بازپروری، مراکز درمانی و روان‌درمانی با تعاملات سازنده‌ای کمک می‌گیرد. علاوه بر این جامعه مدنی در برخی جرایم موجود که نیاز به شفاف‌سازی است، با استفاده از توان رسانه‌ها نقش شفاف‌سازی خود را در مقابل برخی جرایم و فسادهای اقتصادی به‌خوبی انجام می‌دهد. جامعه مدنی در سیاست جنایی چندین نقش حیاتی دارد. جامعه مدنی با نهادهای زیادی برای پیشگیری از جرم تلاش می‌کند و سهم بالایی در بازپروری مجرمان دارد. علاوه بر جامعه مدنی مردم نیز مستقیماً در مدل سیاست جنایی مشارکتی نقش‌آفرینی می‌کنند. در ابتدا اقدام مردم می‌تواند بر عملکرد سیستم قضایی نظارت داشته باشند و هم‌زمان در صورت اطلاع از بروز جرایم، با راهبردهایی مانند سوت‌زنی و امر به معروف از وقوع جرایم پیشگیری کنند؛ بنابراین مردم هم نقش‌آفرین هستند و هم می‌توانند در روند پیشگیری از جرم مثبت عمل کنند. در نهایت در قدیمی‌ترین وظیفه سیاست جنایی که پاسخ از طرف دولت و حاکمیت خواهد بود، دو نهاد پلیس و قوه قضاییه بر اساس نقش سنتی خود به جرم بزهکاری پاسخ می‌دهند. امروزه اندیشمندان، محققان و جرم‌شناسان زیادی بر این مدل به عنوان یک مدل نهایی در پاسخ به بزهکاری و جرم تأکید دارند و هر کدام عناصر و مؤلفه‌هایی را به آن اضافه یا کم می‌کنند؛ اما ابتدایی‌ترین تلاش‌ها در تدوین مدل سیاست جنایی مشارکتی به فعالیت‌های مارک آنسل و می‌ری دلماس مارتی برمی‌گردد. مارک آنسل مفهوم دفاع اجتماعی که شامل بازنگری در کل سیستم کیفری حول بازپروری اجتماعی مجرم است را وارد سیاست جنایی کرد و دلماس مارتی علاوه بر پاسخ‌های سرکوبگرانه کیفری و غیرکیفری، اقدام‌ها و پاسخ‌های خاص پیشگیرانه در برابر جرم را به‌وسیله دولت، مردم و جامعه مدنی در مدل در نظر گرفته است. همچنین جرایم اقتصادی بررسی شده در مدل فوق شامل؛ رشوه، اختلاس، رانت، کلاهبرداری و تقلب هستند که پیشگیری از این جرایم از اهداف مهم سیاست جنایی مشارکتی کشور است.

۲-۴. یافته‌های میدانی

برای آزمون نقش عوامل سه‌گانه دولت و حاکمیت؛ جامعه مدنی و مشارکت مردمی در پیشگیری از جرایم اقتصادی ابتدا سه متغیر مستقل بر پایه یافته‌های اسنادی شاخص‌سازی شده و اطلاعات آماری آنها در پرسشنامه محقق ساخته گردآوری و جهت تحلیل وارد سیستم کامپیوتری شده است. در ابتدا نقش این عوامل سه‌گانه بر پیشگیری از جرایم اقتصادی در تحلیل رگرسیون خطی آزمون شده و سپس در تحلیل هم‌زمان اثر سه متغیر مستقل بر وابسته با استفاده از مدل‌سازی معادله ساختاری انجام شده است.

۱. فرضیه اول

۱. دولت و حاکمیت در سیاست جنایی مشارکتی ایران بر پیشگیری از جرایم اقتصادی اثر دارد.

جدول ۱- آزمون همبستگی و تحلیل رگرسیون اثر دولت و حاکمیت بر پیشگیری از جرایم اقتصادی

نام متغیر	R	R2	B	Beta	T	F	Sig
دولت و حاکمیت	۰/۳۹۹	۰/۱۵۹	۱۹/۱۹	۰/۳۹۹	۳۱/۶۷	۴۶/۰۵	۰/۰۰۰

نتایج تحلیل رگرسیون خطی بر آزمون استنباط‌های آماری پژوهش به‌کار رفته است. در این آزمون مقادیر همبستگی، ضرایب تی، آماره F و بتا به‌کار رفته‌اند. بر اساس نتایج حاصله، همبستگی ($R=0/399$) مستقیمی بین میزان دولت و حاکمیت و میزان پیشگیری از جرایم اقتصادی وجود دارد و بر همین اساس مقدار $R^2=0/159$ نشان می‌دهد که متغیر میزان دولت و حاکمیت توانسته است ۱۶ درصد از واریانس متغیر وابسته (پیشگیری از جرایم اقتصادی) را تبیین نماید. ضریب $B=0/399$ ، نشان می‌دهد که به ازای هر واحد افزایش در متغیر مستقل (دولت و حاکمیت)، $0/399$ واحد به متغیر وابسته (پیشگیری از جرایم اقتصادی)، افزوده می‌شود. با توجه به مقادیر $T=31/67$ ، $F=46/05$ و $Sig=0/000$ ، رابطه مشاهده شده بین دو متغیر در سطح ۹۹ درصد معنی‌دار است، لذا فرضیه فوق تایید می‌شود.



۲. فرضیه دوم

۲. جامعه مدنی در سیاست جنایی مشارکتی ایران بر پیشگیری از جرایم اقتصادی اثر دارد.

جدول ۲- آزمون همبستگی و تحلیل رگرسیون اثر جامعه مدنی بر پیشگیری از جرایم اقتصادی

نام متغیر	R	R2	B	Beta	T	F	Sig
جامعه مدنی	۰/۵۵۱	۰/۳۱۴	۱۱/۸۲	۰/۵۵۱	۹/۵۸	۱۰۵/۹۱	۰/۰۰۰

نتایج تحلیل رگرسیون خطی بر آزمون استنباط‌های آماری پژوهش به‌کار رفته است. در این آزمون مقادیر همبستگی، ضرایب تی، آماره F و بتا به‌کار رفته‌اند. بر اساس نتایج حاصله، همبستگی ($R=0/551$) مستقیمی بین میزان جامعه مدنی و میزان پیشگیری از جرایم اقتصادی وجود دارد و بر همین اساس مقدار $R^2=0/314$ نشان می‌دهد که متغیر میزان جامعه مدنی توانسته است ۳۱ درصد از واریانس متغیر وابسته (پیشگیری از جرایم اقتصادی) را تبیین نماید. ضریب $B=0/551$ نشان می‌دهد که به ازای هر واحد افزایش در متغیر مستقل (جامعه مدنی)، $0/551$ واحد به متغیر وابسته (پیشگیری از جرایم اقتصادی)، افزوده می‌شود. با توجه به مقادیر $T=9/58$ ، $F=105/91$ و $Sig=0/000$ رابطه مشاهده شده بین دو متغیر در سطح ۹۹ درصد معنی‌دار است، لذا فرضیه فوق تایید می‌شود.

۳. فرضیه سوم

۳. مشارکت مردمی در سیاست جنایی مشارکتی ایران بر پیشگیری از جرایم اقتصادی اثر دارد.

جدول ۳- آزمون همبستگی و تحلیل رگرسیون اثر مشارکت مردمی بر پیشگیری از جرایم اقتصادی

نام متغیر	R	R2	B	Beta	T	F	Sig
مشارکت مردمی	۰/۳۳۶	۰/۱۱۶	۱۷/۳۵	۰/۳۳۶	۱۶/۶۹	۳۰/۹۵	۰/۰۰۰

نتایج تحلیل رگرسیون خطی بر آزمون استنباط‌های آماری پژوهش به‌کار رفته است. در این آزمون مقادیر همبستگی، ضرایب تی، آماره F و بتا به‌کار رفته‌اند. بر اساس نتایج حاصله، همبستگی ($R=-0/336$) مستقیمی بین میزان مشارکت مردمی و میزان پیشگیری از جرایم اقتصادی وجود دارد و بر همین اساس مقدار $R^2=0/116$ نشان می‌دهد که متغیر میزان مشارکت مردمی توانسته است ۱۲ درصد از واریانس متغیر وابسته (پیشگیری از جرایم

اقتصادی) را تبیین نماید. ضریب $B = -0/336$ نشان می‌دهد که به ازای هر واحد افزایش در متغیر مستقل (مشارکت مردمی)، $0/336$ واحد به متغیر وابسته (پیشگیری از جرایم اقتصادی)، افزوده می‌شود. با توجه به مقادیر $T = -16/69$ ، $F = 30/95$ و $Sig = 0/000$ ، رابطه مشاهده شده بین دو متغیر در سطح ۹۹ درصد معنی‌دار است، لذا فرضیه فوق تایید می‌شود.



مدل کلی پژوهش

در راستای آزمون و اعتباریابی مدل کیفی محقق به کمک مدل‌سازی معادله ساختاری اقدام به آزمون مدل کرده است. در این مدل ۱۷ متغیر مشاهده شده، وجود دارد که این متغیرها از مجموع تعداد زیادی گویه حاصل شده‌اند. برخی از متغیرهای مشاهده شده شامل متغیرهای مستقل اصلی پژوهش هستند که در مدل نظری بخش اسنادی پژوهش مشخص شده و برای تبیین اثر متغیرهای مستقل بر پیشگیری از جرایم اقتصادی (Pre Eco crimes) به کار رفته‌اند. در جدول زیر ساختار اصلی مدل با شاخص‌ها و نمادهای ترسیمی موجود در مدل مشخص شده است.

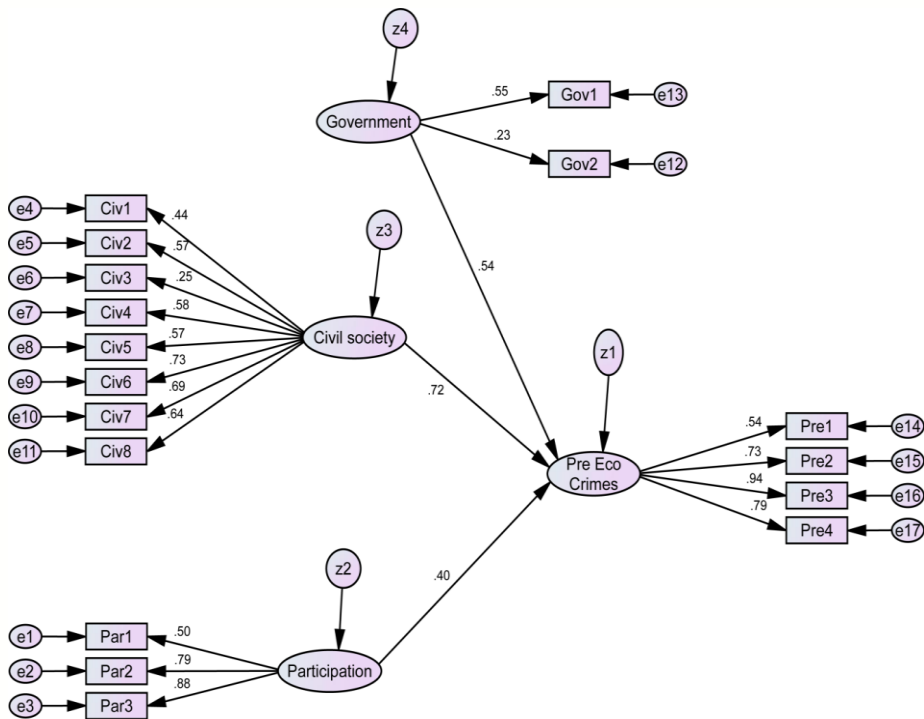
جدول ۴- متغیرها و نمادهای ترسیمی موجود در مدل

نماد ترسیمی	شاخص‌های فرعی	شاخص‌های اصلی	ساختار مدل
Gov1	پلیس	دولت و حاکمیت (Government)	متغیرهای مستقل
Gov2	قوه قضائیه		
Civ1	آموزش	جامعه مدنی (Civil society)	
Civ2	تعدیل کیفی		
Civ3	فرصت‌های حمایتی		
Civ4	تعاملات نهادی		
Civ5	شفافیت و رسانه		
Civ6	نظارت نهادی		
Civ7	بازپروری		
Civ8	توانمندسازی		
Par1	پایش مردمی	مشارکت مردمی (Participation)	متغیر وابسته
Par2	نقش‌آفرینی مستقیم		
Par3	تمرکز بر پیشگیری		
Pre1	رشوه	پیشگیری از جرایم اقتصادی (Pre Eco crime)	
Pre2	اختلاس		
Pre3	رانت		
Pre4	کلاهبرداری و تقلب		

این متغیرهای آشکار شاخص‌های اصلی از متغیرهای مستقل (پیشگیری از جرایم اقتصادی) و وابسته (دولت و حاکمیت، جامعه مدنی و مشارکت مردمی) هستند که با نمادهای ترسیمی

خاصی در مدل مشخص شده‌اند.

در بیان شاخص‌های پیشگیری از جرایم اقتصادی چهار شاخص اصلی وجود دارند که (per3) به معنی «پیشگیری از رانت‌جویی» با ضریب ۰/۹۴ دارای بیشترین وزن در تبیین پیشگیری از جرایم اقتصادی بوده است و بر همین اساس (per1) به معنی «پیشگیری از رشوه» با ضریب ۰/۵۴ دارای وزن کمتری در تبیین پیشگیری از جرایم اقتصادی بوده است. در بحث سایر متغیرها نیز همه ضرایب اثر معناداری در تبیین متغیرهای پژوهش نشان داده‌اند. در کل همه چهار گویه تبیین‌کننده پیشگیری از جرایم اقتصادی قابلیت بالایی در تبیین این متغیر داشته‌اند.



نمودار ۲- مدل معادله ساختاری برای تبیین پیشگیری از جرایم اقتصادی (Pre Eco crimes)

با توجه به خروجی مدل در بحث روابط ساختاری نتایج حاصل از مدل‌سازی نشان داده است که اثر همه متغیرهای مستقل بر تبیین پیشگیری از جرایم اقتصادی معنادار بوده است. در همین ارتباط می‌توان گفت جامعه مدنی (Civil society) با هشت متغیر؛ (آموزش، تعدیل کفبری، فرصت‌های حمایتی، تعاملات نهادی، شفافیت و رسانه، نظارت نهادی، بازپروری و توانمندسازی) بر تبیین پیشگیری از جرایم اقتصادی با ضریب ۰/۷۲ اثر مستقیم و معناداری دارد و بعد از آن دولت و حاکمیت (Government) با دو شاخص (پلیس و قوه قضائیه) با

ضریب ۰/۵۴ نیز اثر مستقیم و معناداری بر پیشگیری از جرایم اقتصادی داشته است. همچنین اثر مشارکت مردمی (Participation) با سه شاخص (پایش مردمی، نقش‌آفرینی مستقیم، تمرکز بر پیشگیری) بر پیشگیری از جرایم اقتصادی با ضریب ۰/۴۰ اثر مستقیم و معناداری داشته است. در کل مثبت بودن تمام بارهای عاملی مدل گویای مستقیم و معناداری بودن روابط موجود در مدل است.

جدول ۵- برآورد وزن‌های رگرسیونی روابط ساختاری موجود در مدل با نرم‌افزار Amos

	Estimate	S.E.	C.R.	P	Label
pre <--- Par	.353	.078	4.524	***	
pre <--- Civ	.319	.093	3.422	***	
pre <--- Gov	1.654	.221	7.484	***	
Par1 <--- Par	1.961	.272	7.211	***	
Par2 <--- Par	1.643	.223	7.367	***	
Par3 <--- Par	1.000				
Pre1 <--- pre	1.000				
Pre2 <--- pre	1.424	.173	8.241	***	
Pre3 <--- pre	2.023	.223	9.052	***	
Pre4 <--- pre	2.017	.235	8.578	***	
Civ1 <--- Civ	.793	.247	3.217	.001	
Civ2 <--- Civ	1.148	.207	5.552	***	
Civ3 <--- Civ	1.000				
Civ4 <--- Civ	1.418	.253	5.610	***	
Civ5 <--- Civ	1.482	.265	5.588	***	
Civ6 <--- Civ	1.492	.242	6.156	***	
Civ7 <--- Civ	1.452	.241	6.028	***	
Civ8 <--- Civ	1.302	.222	5.868	***	
Gov <--- Gov	1.831	.247	7.423	***	
1					
Gov <--- Gov	1.000				
2					

به منظور بررسی تفاوت معنادار اثر متغیر آشکار بر پنهان، به وزن‌های رگرسیونی مراجعه می‌شود. مقدار (C.R) مقداری است که با نسبت بحرانی خوانده می‌شود. این مقدار که از محاسبه نسبت مقدار برآورد شده غیر استاندارد برای پارامتر (Estimate) به خطای معیار (S.E) محاسبه شده برای همان پارامتر حاصل می‌شود، نشان می‌دهد که در صورت رد فرضیه صفری که مقدار این پارامتر را برابر صفر قرار می‌دهد تا چه حد احتمال خطا وجود دارد. مقادیر سه ستاره (***) در قسمت (P) به معنای تایید فرضیه با مقدار صفر است. در جدول فوق قضاوت کردن به وجود تفاوت معنادار بین ضریب محاسبه شده و صفر به صفر درجه خطا منجر می‌شود. با توجه به اینکه تا ۵ درصد میزان خطا قابل قبول است، بنابراین نتیجه

نهایی این است که پارامتر محاسبه شده در تمامی موارد دارای تفاوت معنادار با صفر است. در کل این اظهارات برای نمونه‌های بزرگتر جامعه آماری مناسب است.

بحث و نتیجه‌گیری

واکاوی سیاست جنایی از گذشته تا کنون نشان داده‌اند که انسان همواره در پی عدالت و پیشگیری از جرایم مختل‌کننده نظم عمومی مسیرهای پر فراز و نشیبی را طی کرده‌اند. شواهد موجود و مرور بررسی‌های علمی نشان داده که نظام عدالت کیفری در گذشته به شکل ابتدایی آن که سزادهنده بوده نتوانسته است تمام نیازهای جامعه را برآورده کند و یا موفقیت‌هایی را کسب کند. بر همین اساس امروزه بهترین راهبردها به پیشگیری از جرایم همان سیاست‌های جنایی به روز شده و یا به عبارت دیگر سیاست‌های جنایی مشارکتی هستند که می‌تواند از بروز جرایم اقتصادی نیز پیشگیری کنند. بر همین اساس گسترش سیاست جنایی مشارکتی باعث نهادی شدن عدالت کیفری و سیاست جنایی شده که در نتیجه سطح اقدامات انجام شده در قبال جرم ارتقا یافته و هزینه‌های جرم کاهش پیدا کرده و پیشگیری از جرایم روند قابل اعتمادتری به خود گرفته است. توسعه سیاست جهانی به اشکال گوناگون وجود داشته و رهیافت‌هایی چون پر رنگ شدن حضور جامعه مدنی و خصوصی شدن فرایند دادرسی و نظام قضایی همگی از نتایج این تحول هستند. بر همین اساس سیاست جنایی در کلیت خود واکنش جامعه در مقابل پدیده مجرمانه است که در درون خود دارای مراتب و سطوح مختلف می‌گردد. موفقیت یک سیاست جنایی در این است که تمام اجزاء و سطوح آن در هماهنگی با هم در حرکت باشد تا به هدف خود یعنی کنترل و پیشگیری از پدیده مجرمانه برسد. یافته‌های این پژوهش در دو بخش اسنادی و میدانی نشان داده است که جرایم در سیاست جنایی مشارکتی هم از دولت و حاکمیت، هم از جامعه مدنی و هم از مردم پاسخ می‌گیرد؛ بنابراین این سه عنصر ضمن رفع کردن نواقص یکدیگر، می‌توانند برای پیشگیری از جرم همکاری و تعامل داشته باشند. بر همین اساس سیاست جنایی مشارکتی به عنوان ابزاری موفق برای تبدیل سیاست‌های قدیمی کیفری به سیاست‌هایی مشارکتی جدید بوده و به طور قابل توجهی بر روندهای پیشگیری از جرم تاثیر داشته است؛ بنابراین یافته‌های اسنادی نقش سه‌گانه دولت و حاکمیت؛ جامعه مدنی و مشارکت مردمی در پیشگیری از جرایم اقتصادی را پررنگ نشان داده و برای اطمینان بیشتر در بخش میدانی نیز این روابط به صورت فرضیه طرح و آزمون شد که نتایج کمی در نخبگان، کارشناسان و اساتید حوزه سیاست جنایی نشان داد، این روابط معنادار است. با توجه به یافته‌های آماری پژوهش اثر همه متغیرهای مستقل؛ دولت و حاکمیت، جامعه مدنی و مشارکت مردمی بر پیشگیری از جرایم اقتصادی معنادار بوده است.

منابع

- باقری‌کمارعلیا، محمد. (۱۳۹۴). مطالعه تطبیقی سیاست جنایی تقنینی ایران با کنوانسیون مریدا در مبارزه با فساد مالی و تحولات آن. پژوهش‌های حقوقی، ۱۴(۲۷)، ۹۲-۶۳.
http://jlr.sdil.ac.ir/article_32123.html
- حاجی‌تبار فیروزجایی، حسن؛ اصغری، روزبه و شاکری، ابوالحسن. (۱۴۰۰). سیاست جنایی مشارکتی اسلام در قبال جرایم اقتصادی. مطالعات فقه اقتصادی، ۳(۴)، ۱۷-۱.
- https://journal.ihrci.ir/article_144965.html
- حطمی، ایمان؛ پاکزاد، بتول؛ فرح‌بخش، مجتبی و خسروی، حسن. (۱۳۹۸). تحلیل علل جرایم اقتصادی ایران در پرتو نظریه‌های جرم‌شناسی اقتصادی. مطالعات راهبردی ناجا، ۴(۱۱)، ۹۱-۱۱۴.
<https://sid.ir/paper/270265/fa>
- خدائیان‌چگنی، ذبیح‌الله. (۱۳۹۱). بررسی تطبیقی نهادهای نظام عدالت کیفری فرانسه و ایران در مقابله با جرایم اقتصادی. مطالعات حقوقی، ۴(۲)، ۵۸-۳۱.
https://jls.shirazu.ac.ir/article_1130.html
- دلماس-مارتی، می‌ری. (۱۳۹۸). نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی. تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- رحیمی، محمدمهدی؛ منصور، سیدمهدی و خواجه‌پور، کمال. (۱۴۰۲). بررسی فقهی حقوقی افساد فی الارض و مصادیق آن در جرایم اقتصادی. مطالعات فقه اقتصادی، ۵(۳)، ۶۴-۴۷.
[doi: 10.22034/ejs.2023.390164.1405](https://doi.org/10.22034/ejs.2023.390164.1405)
- ساداتی، سیدمحمدمهدی؛ مهدوی، محمود و حسینی، سیدمحمد. (۱۳۹۶). مبانی جرم‌انگاری جرایم اقتصادی در فقه امامیه. مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، ۴(۱)، ۱۳۴-۱۱۱.
https://jqclcs.ut.ac.ir/article_63766.html
- شمس‌ناتری، محمدابراهیم و توسلی‌زاده، توران. (۱۳۹۰). پیشگیری وضعی از جرایم اقتصادی. مطالعات حقوق خصوصی، ۴۱(۴)، ۲۱۷-۱۹۹.
https://jlq.ut.ac.ir/article_29768.html
- لواسور، ژرژ. (۱۳۷۱). سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی. تحقیقات حقوقی، ۱۱ و ۱۲(۲)، ۳۹۵-۴۳۶.
- مصطفی‌پور، منوچهر. (۱۳۹۵). بررسی جرایم اقتصادی در ایران و راهکارهای پیشگیری از آنها. مجله اقتصادی. دوماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی، ۱۶(۱ و ۲)، ۷۶-۵۳.
<https://ejip.ir/article-1-871-fa.html>
- ملازمیان، مسعود. (۱۳۸۷). سیاست جنایی تقنینی ایران در جرایم اقتصادی. تهران: انتشارات جاودانه.
- مومنی، هادی؛ روح‌الامینی، محمود و ساعد، محمدجعفر. (۱۴۰۱). سیاست جنایی ایران در جرایم اقتصادی. مطالعات فقه اقتصادی، ۴(۲)، ۱۲۷-۱۰۹.
https://journal.ihrci.ir/article_152154.html
- میرسعیدی، سید منصور و زمانی، محمود. (۱۳۹۲). جرم اقتصادی؛ تعریف یا ضابطه. پژوهش حقوق کیفری، ۲(۴)، ۱۹۹-۱۶۷.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۸۲). از سیاست کیفری تا سیاست جنایی، دیپاچه درآمدی به سیاست جنایی. تهران: نشر میزان.



- نجفی ابرنآبادی، علی حسین. (۱۳۸۶). *تقریرات درس حقوق کیفری اقتصادی*، جزوه درسی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی. نشر نوین برتر.
- نصیری، مصطفی. (۱۴۰۱). مفهوم «جرم» در سیاست جنایی اسلام ذیل نظریه اعتباریات علامه طباطبایی. *فلسفه حقوق*، ۲۱(۲)، ۵۰-۳۱.

https://phlq.bou.ac.ir/article_73757.html

- Button, M., & Shepherd, D. (2023). The case for economic criminology. *Journal of Economic Criminology*, 1, 100015.
- Dharma, I.. (2022). Criminalization of Employers Against Workers in View of The Law. *International Asia Of Law and Money Laundering (IAML)*, 1(4), 240-246.
- <https://www.mendeley.com/catalogue/300980f2-4c85-3d99-a16a-cfb6cd93986d/>
- Jescheck, H. and Norton, J. (2024). *Criminal Law*. Encyclopedia Britannica. <https://www.britannica.com/topic/criminal-law>
- Ketaren, A. H. (2021). Review of Criminal Policy on Countering Economic Crimes. *International Journal of Economic, Technology and Social Sciences (Injects)*, 2(1), 55-61.
- Pifferi, M. (2020). The Theory of Social Defence and the Italian Positive School of Criminal Law, *Glossae. European Journal of Legal History* 17 (23): 22-46 <http://www.glossae.eu>
- Schneider, H. J. (1986). Economic Crime and Economic Criminal Law in the Federal Republic of Germany. United Nations Asia and Far East Institute for the Prevention of Crime and the Treatment of Offenders (Hrsg.): *Report for*, 128-158.
- Takala, H. (2005). Nordic cooperation in criminal policy and crime prevention. *Journal of Scandinavian Studies in Criminology and Crime Prevention*, 5(2), 131-147.
- <https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/14043850410028695>
- Vilks, A. (2019). Criminal Policy as a Basis for the Sustainable Development or Public Security. *US-China L. Rev.*, 16, 293.